

علوم انسانی در زمانه عسرت

مقصود فراستخواه

کازران، ش ۳۴۰، ۸۶/۱۲/۴

آقای فراستخواه در این مقاله به بررسی وضعیت علوم انسانی در ایران اشاره کرده است. به نظر ایشان یکی از سرمنشأهای مشکلات علوم انسانی در ایران، به نوعی با چالش‌های سنت و تجدد ارتباط دارد. علوم انسانی در ایران، وضعیت بحث‌انگیز و پرمسأله‌ای دارد. نویسنده به برخی از این مسایل به ترتیب ذیل پرداخته است که به اختصار به آن اشاره می‌کنیم:

۱. مسأله زمینه؛ علوم انسانی در مقایسه با علوم دیگر، پیوند عمیق‌تری با زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی دارند و در انتقال از غرب به ایران، با بیشترین مشکل «زمینه‌زدایی» مواجه هستند.

۲. مسأله زبان؛ علوم انسانی یک‌سره منوط به زبان است. بنابراین طبیعی است که انتقال و توسعه علوم در جوامع غیر غربی، با پس‌زمینه‌های متفاوت زبانی در علوم کمتر وابسته به زبان، سهل‌تر و خطی‌تر از علوم بیشتر وابسته به زبان خواهد بود.

۳. مسأله تقاضا؛ بزرگی دولت و قلمرو گسترده مالکیت و اختیارات و مداخلات آن سبب شده که عرصه رشد برای بخش خصوصی و غیردولتی مدرن تنگ شود، در نتیجه هنوز بخش خصوصی ما متقاضی دانش نیست.

۴. مدعیان به جای متقاضیان؛ برای علوم انسانی در ایران، تقاضای موثر چندانی در سطح کلان دولت و نظام‌های تصمیم‌گیری، وجود ندارد. در واقع همان‌طور که اقتصاد مبتنی بر دانش نداریم، دولت مبتنی بر دانش نیز نداریم.

۵. مسأله مشروعیت؛ مشکل مشروعیت علوم انسانی (به مفهوم جهانی کلمه) در ایران غیر قابل قیاس با سایر علوم مدرن است. در این خصوص که علوم مدرن با فلسفه الحادی و مادی و ارزش‌های عقل خود بنیاد و دنیوی غرب آغشته است، علوم انسانی مانند فلسفه، و روان‌شناسی و به متهمان ردیف اول هستند.

۶. مسأله سیاسی شدن؛ در سیاسی شدن علم و نظام علمی در ایران، بدون تردید علوم انسانی در این بحبوحه بیشترین لطمه را می‌بیند.

۷. مسأله ایدئولوژی؛ علوم انسانی در مساله ایدئولوژیک شدن در کشور ما بیشترین آسیب‌پذیری را داشت. علوم انسانی غالباً ابزاری برای هویت‌های ایدئولوژیک تلقی شده است.

۸. مسأله بومی شدن؛ گفتارهای ابهام‌آلود و غلط‌اندازی مثل بومی کردن علوم (که اسلامی کردن نیز شکل مذهبی آن است، در علوم انسانی، بیش از سایر علوم، مساله‌ساز شده است.

۹. مسأله روش؛ پیچیدگی روش شناختی در علوم انسانی مشکل دیگر این علوم است.
۱۰. مسأله آزاد علمی؛ آزادی علمی که لازمه اولیه‌ی روایی علم و شرط اصلی بسط و ارتقای تکاپوهای علمی است، در علوم انسانی، بحث‌انگیزتر است. در ایران، آزادی علمی در اکتشاف علمی، انتشار یافته‌ها، مصونیت بعد از بیان، انتقال یافته‌ها، جریان تدریس، فرایند یاددهی - یادگیری، کاربست یافته‌ها و... در علوم انسانی بسیار مناقشه‌آمیزتر از سایر علوم است.

۱۱. تهیدستی در اکتشاف و آزمون؛ ساخت نامولد اقتصادی و توسعه نیافته سیاسی و تصمیم‌گیری سبب شده است که ما نه اقتصاد مبتنی بر دانش در خدمت نوین (دانش‌بر) و نه دولت مبتنی بر دانش و نظام مدیریت حرفه‌ای و نظام تصمیم‌گیری مبتنی بر تحلیل علمی داشته باشیم.

۱۲. مسأله کارایی؛ مشکل دیگر علوم انسانی در ایران، «کارایی و اثربخشی» است که خود حاصل مشکل مشروعیت و سایر مشکلات پیش گفته اوست.

۱۳. ضعف یاران و حاملان؛ مشکلات پیش گفته سبب می‌شود که بیشتر متقاضیان و پذیرفته‌شدگان تحصیلی در علوم انسانی دانشگاه‌ها از نوع «تقاضای مازاد» باشند.

۱۴. ضعف نظام حرفه‌ای؛ این موضوع سبب می‌شود که نام‌های غیر حرفه‌ای (سیاسی، دیوان‌سالاری، ایدئولوژیک، مذهبی و حتی اقتصادی، بر این علوم سایه بیندازند.

۱۵. ضعف اجتماع علمی؛ بر اثر مجموعه ضعف‌های یاد شده پیشین، «اجتماع علمی» در علوم انسانی ایران با ضعف‌هایی دست به گریبان است و این امر سبب می‌شود که علوم انسانی از یک سو، در هستی مستقل از دیوان‌سالاری دولت، مشکل داشته باشد و از سوی دیگر، فرایند ممیزی کیفیت و ارزیابی در علوم انسانی که باید توسط هم‌قطاران اجتماع علمی صورت بگیرد، دچار تعویق شود و در نهایت، کیفیت علوم انسانی، به طور مداوم و براساس استانداردهای علم‌سنجی، اندازه‌گیری و ارزیابی نشود و در نهایت ارتقای مداوم پیدا نکند.

۱۶. مسأله اقتباس و تعامل با جهان؛ علم در شبکه فرامرزی و بین‌المللی، بستر رشد و توسعه پیدا می‌کند به ویژه با تحولات ICT و جهانی شدن، این موضوع ابعادی بیشتر یافته است. ضعف تعاملات بین‌المللی نیز هر چند مشکل کل علم در ایران است، اما در علوم انسانی وضعیت پر مناقشه‌تری دارد. یک فرض نیازموده بر ذهن غالب سیاستگذاران علم در ایران کنونی سایه انداخته است و آن این است که مادر علوم انسانی برتریم. این موضوع سبب می‌شود که اقتباس از رهیافت‌های جهانی در ایران بحث‌انگیز شود.

مزارش گر: ابوالفضل حسینی